

**The Jungle Movement and the Transition from the Ideology of
Pan-Turkism of the Ottoman State**

Mohammad Hossein Esmaeli Sangari¹

Received: 20 Dec 2020

Reception: 15 Mar 2021

The present study aims to explain the ideological transitions of the Jungle movement with emphasis on the transition from the ideology of the Ottoman state. The Jungle movement was never established within an ideology, so it was necessary to explain its ideological origins and transitions. This research is written with the basic research method and has a descriptive-analytical approach. The research data analyzes the ideological transitions of the Jungle movement the components of the ideological transitions of Pan-Turkism of the Ottoman State. The research findings show that the Jungle movement led by Mirza Kuchak Jangali has the following ideologies: monarchy, constitution, Ottoman Pan-Turkism, left Marxism; it has had an ideological transition. Also, its ideological transition from the Pan-Turkism of the Ottoman state was based on the ideal and belief in patriotism and the primacy of Iranianism and national sovereignty in relation to the ideology of the Islamic unity of the Ottoman State. In general, the article shows that the ideological transitions of the Jungle Movement are taken from the statute of the Jungle Movement and have been made public in the form of official statements (Jangal Newspaper) internal and external condition in order to preserve Iran's independence.

Keywords: Ideology, Iranianism, Pan-Turkism, Ottoman State, Transition, Jungle Movement.

1. Assistant Professor Department of Political Science, Faculty of Humanities Science, University of Gilan, Rasht, Iran. msangariam@guilan.ac.ir

نهضت جنگل و گذار از ایدئولوژی پان‌ترکیسم دولت عثمانی

محمدحسین اسماعیلی سنگری^۱

دریافت: ۹۹/۹/۳۰

پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۵

چکیده:

پژوهش حاضر باهدف تبیین گذارهای ایدئولوژیکی نهضت جنگل با تأکید بر گذار از ایدئولوژی دولت عثمانی انجام شده است. نهضت جنگل در فرازوفرودهای هفت‌ساله از عمرش در چارچوب یک ایدئولوژی استقرار و قرار نداشت، ازاین‌رو، ضرورت داشت تا خواستگاه‌ها و گذارهای ایدئولوژیکی آن مورد تبیین قرار گیرد. این پژوهش با روش تحقیق بنیادی نگارش شده و از نوع کیفی است. رویکردی توصیفی-تحلیلی دارد. داده‌های تحقیق می‌کوشد ضمن بررسی گذارهای ایدئولوژیکی نهضت جنگل، مؤلفه‌های گذار ایدئولوژیکی آن را از پان‌ترکیسم دولت عثمانی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. یافته‌های تحقیق نشان داده که نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک جنگلی از ایدئولوژی‌های: سلطنت، مشروطه، پان‌ترکیسم عثمانی، چپ مارکسیسم؛ گذار ایدئولوژیکی داشته است و گذار ایدئولوژیکی آن از پان‌ترکیسم دولت عثمانی مبتنی بر آرمان و اعتقاد به وطن‌خواهی و تقدم ایرانیت و حاکمیت ملی نسبت به ایدئولوژی اتحاد اسلام دولت عثمانی بوده است. درمجموع مقاله نشان می‌دهد که گذارهای ایدئولوژیکی نهضت جنگل برگرفته از اساسنامه و مرامنامه نهضت و به شکل علنی به صورت اعلامیه‌ها و بیانیه‌های رسمی (روزنامه جنگل) و تحت شرایط داخلی و خارجی ایران در راستای حفظ استقلال ایران رقم خورده است.

کلیدواژه‌ها: ایدئولوژی، ایرانیت، پان‌ترکیسم، دولت عثمانی، گذار، نهضت جنگل.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. msangariam@guilan.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

قیام جنگلی هفت سال طول کشید از ۱۲۹۳ خ (۱۹۱۳ م) تا ۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۰ م). این برش تاریخی در سنوات حساس و پرحادثه‌ای در تاریخ قرار گرفته بود؛ زیرا هم ناکامی قیام مشروطه خواهان را (۱۲۸۵ م) در پشت سر داشت و هم بافاصله اندکی جنگ جهانی اول رخ داد (۱۹۱۴) و هم در میانه راه انقلاب بلشویکی روسیه واقع شد و به عمر تزارهای روسیه خاتمه داد (۱۹۱۷) و در پایان عمر سیاسی خود شاهد پایان عمر امپراتوری عثمانی و شکست آلمان بود و همچنین روزهای پایان حکومت قاجار رقم می‌خورد و نقش پررنگ انگلستان صحنه‌گردان امور ایران می‌شد (قرارداد ۱۲۹۹/۱۹۱۹). نهضت جنگل زمینه خیزش و آرمان‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی خود را از ابتدا منطبق بر ایدئولوژی نهضت مشروطیت نموده بود. وجوه مخالف و تعارض آن همسو با میلیون و مشروطه‌خواهان ایران بود اما به دلایلی از آن گذار نمود. نهضت جنگل از سال ۱۲۹۴ تا مردادماه سال ۱۲۹۷ بر ایدئولوژی هیئت اتحاد اسلام تکیه زد و طی همین مدت مهم‌ترین تصمیم‌های نهضت جنگل توسط کمیته اتحاد اسلام اخذ می‌شد و به اجرا درمی‌آمد اما باز در ایدئولوژی اتحاد امت اسلامی باقی نماند و بار دوم گذار ایدئولوژیک داشت. بدون هیچ تردیدی کمیته اتحاد اسلام در شکل‌گیری نهضت جنگل عمیق‌ترین تأثیرات را داشت اما نهضت جنگل و میرزا کوچک در فرایند مبارزات و موضع‌گیری‌ها و اهداف مبارزه خود، پان‌ترکیسم و هم‌داستانی با دولت عثمانی و کمیته اتحاد اسلام را متعارض و مخالف اهداف و مرامنامه نهضت جنگل تشخیص داده و محتاطانه و هوشمندانه از آن گذار نمودند. مسئله اساسی مقاله حاضر تبیین چرایی و چگونگی گذارهای ایدئولوژیک نهضت جنگل با تأکید گذار آن از ایدئولوژی پان‌ترکیسم دولت عثمانی است.

وجه ضرورت این پژوهش بیشتر در زمان تلاشی است که ایدئولوژی چپ مارکسیسم در وقت خلأ ایدئولوژیکی نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک انجام می‌داد تا خود را اثبات کند و جانشین سازد؛ زیرا نهضت جنگل پس از گذار از اتحاد اسلام و پان‌ترکیسم عثمانی (در لوای اتحاد اسلام) مواجه با خلأ ایدئولوژیکی می‌شود. در فضای خلأ ایدئولوژیکی بود که جبهه‌ای از انقلابیون به رهبری احسان الله خان دوستدار گرایش چپ کمونیستی یافته اعتقادات چپ آن‌ها تشدید شد. آنان عجلانه به سازمان‌دهی و تشکل دست زدند تا این خلأ

ایدئولوژیکی را با ایدئولوژی سیاسی چپ کمونیسم (مارکسیسم لنینیسم) پُر کنند. باز میرزا کوچک جنگلی و نهضت جنگل مقاومت کردند و ایدئولوژی چپ مارکسیسم را در شرایط ایران راه صواب ندانستند. همچنین در خلأ ایدئولوژیکی پس از گذار پان ترکیسم عثمانی بود که عده‌ای دیگر از جنگلی‌ها و انقلابیون سازش و مصالحه با دولت مرکزی و پذیرفتن امان‌نامه و بازگشت به ایدئولوژی سلطنتی (مشروطه) را در پیش گرفتند باز میرزا کوچک مقاومت کرد و نپذیرفت.

میرزا کوچک جنگلی نهضت جنگل را از سال ۱۲۹۷ به بعد (مدت حدوداً دو سال) وارد فرآیند گذار به ایدئولوژی نوینی می‌نمود که دو خطر بزرگ آن را همواره تهدید نموده است اما این پدیده جدید چنان جذابیت داشت که انگار می‌ارزید تن به آن دهد. گذار به جمهوریت شورایی (جمهوری مشورتی) چتر ایدئولوژیک نوپدید نهضت جنگل در دو سال پایانی عمرش بود. به نظر می‌آید تاریخ ایران معاصر و نهضت جنگل دیر به تجربه جمهوری خواهی رسیدند. پیام ایدئولوژیک جمهوریت مشورتی به مثابه آلترناتیو ایدئولوژی‌های گذار شده - که عمدتاً با روش تاکتیکی انتخاب می‌شدند - با سرعت و زود و با هیجان مورد تأکید همه جمهوری خواهان ایران بود. از منظر جامعه‌شناختی در این بحبوحه دو خطر همواره نهضت را تهدید نمود. اول: تله کمونیست‌های بلشویک. خطر دوم معمای دولت پوچ و امنیت بوده است.

در پژوهش حاضر گذارهای ایدئولوژیک نهضت جنگل با تأکید بر گذار پان ترکیسم دولت عثمانی مورد واکاوی است؛ پرسش‌های آن این است که اولاً نهضت جنگل در فرایند خود چه گذارهای ایدئولوژیک داشت ثانیاً گذار نهضت جنگل از ایدئولوژی پان ترکیسم دولت عثمانی چگونه بوده است. از این‌رو در بخش اول مقاله به ایدئولوژی مشروطه خواهی و گذار نهضت از آن می‌پردازد سپس در بخش دوم با نگاه جامعه‌شناسانه سیاسی گذار نهضت جنگل از پان ترکیسم دولت عثمانی مورد بحث است و در بخش سوم ایدئولوژی جمهوریت شورایی و ناکامی آن را مورد بررسی قرار داده است.

پیشینه پژوهش

پیشینه و سابقه پژوهش‌ها در موضوع این مقاله گویای این موارد است: عباس پناهی در

مقاله خود (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که نقش هیئت اتحاد اسلام بر تحولات نهضت جنگل زیاد و اجتناب‌ناپذیر بوده است. ابوطالب سلطانیان (۱۳۹۲) در مقاله خود در تلاش است تا نشان دهد که نهضت جنگل هرچند در ابتدا اهداف قیام مشروطه ۱۲۸۵ ایران را تعقیب می‌کرد اما ایدئولوژی نهضت از میانه راه به همکاری با بلشویک‌ها سوق یافت از این رو پایگاه اجتماعی خود را از دست داد و سقوط کرد؛ اما سعید زاهد زاهدانی و اسماعیل مسعودی - برعکس او - در مقاله‌ای (۱۳۹۲) در تلاش‌اند تا نشان دهند از ابتدا ایدئولوژی نهضت جنگل نزدیک انقلاب مشروطه بود اما از میانه راه دچار پارادوکس ایدئولوژیک داخلی شده است و به همین دلیل سقوط نموده است. محسن خلیجی و محمد رادمرد در مقاله خود (۱۳۸۸) علت سقوط نهضت جنگل را واکاوی می‌کنند و بیان می‌نمایند تا قبل از ورود ارتش سرخ شوروی نهضت جنگل نهضتی ملی و اسلامی بود اما پس از ورود ارتش سرخ دچار تغییر ایدئولوژیک شد، سرمایه اجتماعی خود را از دست داد و فروپاشید. همچنین محمدعلی کاظم بیگی در مقاله‌ای (۱۳۹۱) به دلایل عدم نفوذ و رسوخ نهضت جنگل در سال‌های ائتلاف با کمیته اتحاد اسلام در مازندران و استرآباد می‌پردازد و آن را به عمل‌گرایی جنگلی‌ها منسوب می‌کند.

وجه تفاوت و تمایز این مقاله با دیگر سوابق تحقیقی در این است که در بین پژوهش‌های پیشین به گذارهای ایدئولوژیک نهضت توجه نشده و به آن نپرداخته‌اند. تعدادی از مقالات پژوهشی به ایدئولوژی نهضت جنگل توجه داشته‌اند اما آن‌ها علاوه بر اختلاف‌نظری که داشته‌اند توجه کمی به تحلیل و اسناد داشته‌اند همچنین دارای مؤلفه تک عاملی بوده‌اند. به گونه‌ای که یا پارادوکس داخلی نهضت را و یا ورود ایدئولوژی چپ کمونیسم را به عنوان عامل فروپاشی نهضت جنگل معرفی نموده‌اند، حال آنکه با توجه به شرایط داخلی و خارجی و موضع‌گیری لرزان و متنوع و در شرایط زمانی پُر بحبوحه آن سنوات و حوادث پُرسرعت آن سال‌ها و پیچیدگی سیاست‌های دولت‌های خارجی، رهبران نهضت جنگل لاجرم خود را ناگزیر به گذار می‌دیدند. به نظر می‌آید مقاله حاضر موفق شده است این گذارها را تشخیص و مسیر و دلایل آن را آشکار سازد.

دو نوآوری در مقاله قابل مشاهده است: نوآوری اول مقاله تحلیل گذار نهضت جنگل از ایدئولوژی پان‌ترکیسم عثمانی توسط رهبران نهضت جنگل بوده است. این در حالی بود که دولت عثمانی جهت نیل به چاه‌های نفت قفقاز از سال‌ها قبل به تشکیل جمعیت‌ها (انجمن‌ها،

کمیته‌ها) و سازمان‌دهی آن‌ها در داخل ایران جهت استفاده از آن‌ها دست‌زده بود؛ و از طرف دیگر با ایدئولوژی اتحاد اسلام و امت اسلامی ذهنیت عامه مسلمانان ایرانی را قابل اعتماد ساخته و قابل جذب ساخته بود و همچنین با کمک‌رسانی مالی و تسلیحاتی رهبران نهضت جنگل را مورد حمایت و پشتیبانی قرار داده بود. به‌واقع، گذار از این ایدئولوژی توسط رهبران نهضت جنگل و میرزا کوچک، کار و تصمیم قابل‌تحسینی بود که فقط از عهده انسان‌های مؤمن و وطن‌دوست آگاه برمی‌آید. آن‌هایی که آرمان و ایدئولوژی و کشور و استقلال ایران را مقدم بر دیگر ایدئولوژی‌ها و مقدم بر خود، منافع شخصی، پُست و مقام دانسته‌اند و فشارها و سیاست‌های پان‌ترکیسم دولت عثمانی را در حد و اندازه ایران و ایرانی همقد و اندازه ندانسته‌اند. نوآوری دوم مقاله طرح و تحلیل گذارهای ایدئولوژیک نهضت جنگل بوده است. این در حالی است که تاکنون به موضوع گذارها و پایگاه‌های ایدئولوژیک نهضت توجه علمی آن‌چنانی نشده است.

چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش بر خواستگاه ایدئولوژی و گذار از آن استوار است. در اوایل قرن نوزدهم واژه ایدئولوژی توسط تریسی^۲ فرانسوی به شکل محدود به معنی علم اندیشه‌ها بکار رفت. کاربرد آن پس از مرگ کارل مارکس^۳ و انتشار کتاب ایدئولوژی آلمانی او (۱۹۲۷) گسترش یافت. در جامعه‌شناسی معرفتی مارکس و انگلس مفهوم ایدئولوژی به معنای «آگاهی دروغین»^۴ است؛ یعنی اندیشه‌های مسلط طبقه حاکم که دست به تحریف واقعیت زده است. در برابر این دیدگاه کارل مانهایم^۵ در کتاب ایدئولوژی و اتوپیا^۶ نظریه‌های خود را در حوزه جامعه‌شناسی معرفت، مطرح نمود او ایدئولوژی را «سبک‌های اندیشه»^۷ درباره پدیده‌های اجتماعی تعریف کرد و توضیح داد که مارکسیسم خود یک ایدئولوژی است. بعلاوه مانهایم بیان می‌کند که ایدئولوژی‌ها ممکن است از یک ایدئولوژی محدود یا خاص مانند ایدئولوژی سوداگران خرد^۸ تا یک ایدئولوژی تام یا جهان‌بینی^۹ که می‌کوشد هر چیزی را تعیین کند متغیر باشند (Manheim, 1936, 1929). تالکوت پارسونز ایدئولوژی را «یک نظام اعتقادی که اعضای یک جمع در آن اشتراک دارند» و نیز طرحی تفسیری در نظر می‌گرفت که گروه‌های اجتماعی از آن استفاده می‌کنند تا جهان را برای خود فهم‌پذیر سازند. این امر

می‌تواند تحریف واقعیت باشد، اما نه به مفهوم مارکسیستی (پارسونز، ۱۹۵۱: ۳۳۱). از منظر انگلس و مارکس ایدئولوژی: «اندیشه‌های طبقه حاکم در هر عصر اندیشه‌های حاکم است» (Marx and Engels, 1845-1976: 59-60). مارکس اذعان می‌کرد: «شیوه تولید حیات مادی فرآیند کلی زندگانی اجتماعی، سیاسی و فکری را تعیین می‌کند. این آگاهی انسان‌ها نیست که وجود آن‌ها را تعیین می‌کند بلکه وجود اجتماعی آن‌هاست که آگاهی آن‌ها را مشخص می‌کند» (مارکس، ۱۹۸۰: ۲۹، ۱۸۵۹: ۲۶۳).

بدین‌سان حتی هربرت مارکوزه^۱ یکی از نو مارکسیست‌های برجسته، استدلال می‌کند که درنهایت افراد بهترین داوران منافع خود هستند. این امر تنها هنگامی درست است که آن‌ها آزاد باشند پاسخی بدهند، یعنی هنگامی که تحت القای عقیده‌ای قرار نگرفته باشند (Marcuse, 1964: 68). از همین منظر ایدئولوژی در نگاه آلتوسر: «سیمان نامرئی به‌هم‌پیوستگی اجتماعی است» (آندرسون، ۱۹۷۶: ۸۴)؛ آلتوسر با نگاه کارکردی مفهوم ایدئولوژی را همچون پارسونز مطرح می‌سازد. گرامشی، آلتوسر و پارسونز نگاه نسبتاً نزدیک به نظریه‌های غیر مارکسیستی در مورد ایدئولوژی دارند. با این تفاوت که غیر مارکسیست‌ها، خود مارکسیسم را یک ایدئولوژی تلقی می‌نمایند (Althusser (1972). ابرکرومی^۲ و ترنر^۳ دیدگاه سنتی مارکسیستی و نو مارکسیستی (تئوری ایدئولوژی مسلط) را به دلیل این‌که از نظر تاریخی و تجربی غیر معتبر است رد می‌کنند. «اهمیت واقعی ایدئولوژی مسلط، بیشتر در سازمان‌دهی طبقات مسلط است تا فرمان‌برداری طبقات زیر سلطه» (Abercrombie and Turner, 1978: 153).

اساساً دو دیدگاه درباره نقش ایدئولوژی وجود دارد: دیدگاه مینیمالیستی و دیدگاه ماکسیمالیستی. دیدگاه مینیمالیستی بر آن است که میزان آگاهی سیاسی افراد اندک است، آنان از کاربرد اندیشه‌های سیاسی ناتوان‌اند بلکه حتی آن را درک نمی‌کنند، آن‌ها ترجیحات سیاسی ناپایدار دارند و همواره ترجیحات سیاسی آن‌ها باهم ناسازگار است. دیدگاه ماکسیمالیستی معتقد است انسان‌ها مجموعه اعتقادات منسجمی دارند و از این مجموعه اعتقادات یک یا چند مجموعه، ایدئولوژی را تشکیل می‌دهد (راش، ۱۳۷۷: ۲۱۳)؛ بنابراین اساساً یک دیدگاه مارکسیستی و یک دیدگاه غیر مارکسیستی از ایدئولوژی وجود دارد، از یک طرف به‌عنوان اندیشه‌های مسلط طبقه حاکم و از طرف دیگر به‌عنوان تعدادی از دیدگاه‌های موجود درباره جهان یا بخشی از جهان (راش، ۱۳۷۷: ۲۰۲). چنانچه در مقاله حاضر دیدگاه غیر مارکسیستی

از ایدئولوژی مبتنی بر نقش ماکسیمالیستی جهت تحلیل گذارهای ایدئولوژیک در نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک اتخاذ و به کاررفته است.

ایدئولوژی در بالاترین و آشکارترین سطح رفتار کسانی را که بیش از همه در سیاست فعال هستند شکل می‌دهد. همان‌طور که در مورد کمیته اتحاد اسلام در فرایند سال‌های مورد تحقیق پژوهش و در فراز و نشیب نهضت جنگل و سیاست‌های دولت عثمانی مشاهده شده است. در طول جنگ جهانی اول اقدامات دولت عثمانی نشان می‌داد که به دنبال ایدئولوژی و اهداف پان‌ترکیسم هستند. از این رو اندیشه اتحاد اسلام و امت واحده اسلامی و کمیته‌های آن در کشورهای دیگر (ایران، شمال) می‌توانست اهرم فکری و اجرایی آن‌ها در جهت پیشبرد آنان به کمک بیاید (kia, 1996: 30). ایدئولوژی کمیته اتحاد اسلام مبتنی بر آراء سید جمال‌الدین اسدآبادی بود؛ و دولت عثمانی از آن برای نفوذ در کشورهای پیرامونی علیه منافع انگلیس می‌توانست بهره‌گیرد. بعد از تعطیل شدن مجلس دوم شورای ملی ایران، دو نماینده از جانب دولت عثمانی به نام بهاء بیک و روشنی بیگ به ایران اعزام شدند تا اندیشه اتحاد اسلامی را گسترش دهند (بهار، ۱۳۷۱: ۱۶۷؛ گیلک، ۱۳۷۱: ۱۳۵). آن‌ها توسط دموکرات‌های مجلس مورد استقبال قرار گرفتند افرادی چون محمدرضا مساوات، سید حسن مدرس، میرزا طاهر تنکابنی، ادیب‌السلطنه سمیعی، سید یحیی ندامانی جلسه‌های مخفی تشکیل دادند (فخرایی، ۱۳۶۶: ۲۳). میرزا کوچک خان توسط میرزا طاهر تنکابنی با آن‌ها آشنا شد (فخرایی، ۱۳۶۶: ۲۲ و گیلک، ۱۳۷۱: ۱۳۵)؛ و این روایت سوم در نحوه پیوستن رهبر نهضت جنگل به کمیته اتحاد اسلام بوده است. مقاله در ادامه مباحث خود این موارد را با تأکید بر گذار از ایدئولوژی اتحاد اسلام توضیح می‌دهد.

۱. ایدئولوژی مشروطه‌خواهی و گذار نهضت جنگل

جامعه‌شناسی سیاسی و تاریخی در فرایند نهضت جنگل ذیلاً نشان می‌دهد که رهبران آن بر آرمان و اعتقادات ابتدایی خود انطباق بر ایدئولوژی انقلاب مشروطه ایران ۱۲۸۵ تأکید داشته‌اند. موارد ذیل این ادعا را نشان می‌دهد:

- نخستین گام میرزا کوچک در راه ستیز با خودکامگی پیوستن او به مردمی بود که در کنسولگری انگلیس در رشت بست نشسته و فریاد آزادی‌خواهی سر داده بودند. در پی آن

ماجرا میرزا کوچک به هر سویی از گیلان برای برانگیختن مردم به رویارویی با خودکامگی رفت. آزادی خواهان هراسان تهران، ناتوان از ایستادگی در برابر سرکوب محمدعلی شاه، دست نیاز و یآوری به سوی آزادی خواهان استان‌های گوناگون ایران گشودند. از گیلان شماری راهی تهران شدند که در میانشان یکی نیز میرزا کوچک بود. (تاریخ: سه‌شنبه ۲ تیرماه ۱۲۸۷ - برابر با ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸). هیاهوی رشت و تلاش محمدعلی شاه برای سرکوب مشروطه خواهان گیلانی موجب شد تا بسیاری از آنان فرار کنند و بگریزند و شماری از فراریان راهی قفقاز شدند که میرزا کوچک با آنها همراه بود (پرتو، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

. - میرزا کوچک به تفلیس رفت، شهری که دل انقلاب روسیه در آن می‌تپید. او در آن شهر بسیار آموخت (پرتو، ۱۳۹۱: ۹۶) در نامه وی که در تاریخ ۲۵ رجب ۱۳۲۶ هجری قمری - ۲۷ آوریل ۱۹۰۸ - از تفلیس نوشته و ارسال نموده، به‌وضوح مشروطه‌خواهی وی دیده می‌شود. می‌نویسد: قفقازیه را گرفتند، دیدید و عبرت نگرفتید. بلوچستان را بردند، اعتنا نکردید. ماکو و ارومیه را می‌برند، می‌بینید و غیرت نمی‌کنید. شما مستحق این جور مظالم بلکه بدتر و شدیدتر از این هستید... نامه‌اش را با این جمله پایان می‌دهد: هر یک از احبا (دوستان) را که در خط مشروطیت و در طریق محبت، ثابت دیدید سلام برسانید. خاک پای همه دوستان - کوچک (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۳).

میرزا کوچک روزگاری در تفلیس ماند تا آن‌که دگرباره فریاد مشروطه برخاست. با برپا خاستن فریاد مشروطه به رشت بازگشت و در همه رویدادهای نهضت مردم رشت تلاش نمود. از کمک به مشروطه‌طلبان گیلانی تا حمله به تهران برای سرکوب محمدعلی شاه قاجار و طرفداران نظام سلطنت و بازگرداندن نظام مشروطه سرسختانه و با شجاعت بی‌نظیر مشارکت می‌کرد. وی تا روزی که مجاهدان گیلانی، قزوین را گشودند با آنان همراه بود و سپس از سوی محمودولی خان (تنکابنی) سپه‌دار به رشت باز پس خوانده شد (ملک‌زاده، ج ۵، ۱۳۶۳: ۱۵۰).

- میرزا کوچک مدتی در رشت ماند تا آن‌که مجاهدان مشروطه‌خواه گیلانی به کرج رسیده و آماده حمله به تهران شدند. وی در کرج به مجاهدان مشروطه‌خواه گیلانی پیوست و با آنان به تهران رفت. با فتح تهران و سقوط محمدعلی شاه و بازگشت مشروطیت و همچنین با آغاز به کار مجلس دوم شورای ملی، میرزا کوچک مدتی در تهران ماند و همواره یار پیرم

خان ارمنی بود (پرتو، ۱۳۹۱: ۹۸). پس موارد فوق، تحلیل جامعه‌شناختی گذار اول نهضت جنگل را تأیید می‌نماید.

۲. گذار از ایدئولوژی مشروطه به ایدئولوژی اتحاد اسلام دولت عثمانی:

در این مبحث چگونگی گذار ایدئولوژیک نهضت جنگل به جمعیت اتحاد اسلام (هیئت اتحاد اسلام - کمیته اتحاد اسلام) مورد ارزیابی است. میرزا کوچک پس از یک سال که به اجبار در باکو تبعید بود قصد داشت به رشت برگردد ولی به او خبر دادند که طبق دستور حکومتی تا پنج سال اجازه بازگشت به گیلان را ندارد. از این رو راهی تهران شد. در آن وقت شرایط و وضعیت اجتماعی تهران و ایران بسیار نابهنجار و اندوه‌بار بود. روسیه تزاری فشارهای داخلی خود را به روی همسایگان از آن جمله ایران وارد می‌کرد. انگلستان در تهران قدرت و نفوذ و فشارش را بیش‌تر و بیش‌تر می‌نمود. فقر و ناامیدی مردم ایران را می‌آزرد. میرزا کوچک تهران را اندوهگین و آزرده می‌دید.

احسان الله خان دوستدار و همچنین افشین پرتو مطلبی را درباره چگونگی وصل شدن و پیوستن میرزا کوچک به گروه اتحاد اسلام نوشته‌اند که حکایت از تصادفی بودن این قضیه از طریق به زندان افتادن اشتباهی میرزا کوچک دارد؛ و در روایت سوم به گونه‌ای دیگر گزارش شده است که در آن تصادفی بودن متنفی است بلکه برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی تشکیلاتی در آن قابل استنباط است. پرتو و دوستدار می‌گویند وقتی از زندان آزاد می‌شد آدرس اعضای اصلی اتحاد اسلام را به او دادند و او پس از آزادی از زندان با آن‌ها آشنا شد و به اتحاد اسلام پیوست و با آشنایان دیرینش نزدیک‌تر شده و به شکل سازمان‌دهی شده وارد عمل و تشکیلاتی منسجم گردید. این قسمت به بعد از فعالیت سیاسی - اجتماعی وی، قرین تشکل و سازمان‌دهی است. برنامه آن شد که پیوستگان به اتحاد اسلام خیزشی بزرگ در شمال ایران برای رویارویی با روسیه برپا کنند (پرتو، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

اینکه چگونه پایگاه سیاسی ایجاد کرده و سپس پایگاه اجتماعی نهضت را گسترش دادند، لازم به توضیح است که میرزا توانست با یاری هفت تن که دکتر حشمت نیز در میان آنان بود، (طالقانی، ۱۳۲۴: ۲۴) نخستین پایگاه جنگ‌های چریکی دهقانی را در جنگل تولم در سه فرسخی شمال باختری رشت که مالک آن میر احمد مدنی (از مبارزان جنگل) زمینی را

در اختیار اتحاد اسلام، میرزا ویارانش گذاشته بود، برپا کند (مدنی، ۱۳۷۷: ۳۴). بر اثر استقبال دهقانان و زحمتکشان شهری و بخشی از روشنفکران، رفته‌رفته بر شمار اعضای نهضت و مبارزان مسلح افزوده شد (کشاوری، ۱۳۷۱: ۱۴). در آن روزها هسته کانونی خیزش با خواسته بیرون کردن بیگانگان، برقراری امنیت و رفع بی‌عدالتی برپا شد و سرانجام به یک نهضت سیاسی اجتماعی تبدیل شد.

کمیته اتحاد اسلام بر اندیشه امت اسلامی تأکید داشت اما نهضت جنگل به رهبری میرزا دریافته بود که این ایدئولوژی نه توان و ظرفیت تحقق دارد و نه قوا و دولت انگلیس و روسیه شوروی اجازه تثبیت و استقرار آن را خواهند داد و نه شرایط اجتماعی و بین‌المللی ایران اقتضای بارور نمودن ایدئولوژی دولت عثمانی با پوشش اتحاد اسلام را اجازه می‌دهد؛ و همچنین فرهنگ شیعی ایرانیان هم‌بستگی و رابطه معنادار و استراتژیک در آن برهه با آن نخواهند یافت. این بود که از اندیشه‌های سید جمال و ایدئولوژی دولت عثمانی تحت عنوان اتحاد اسلام گذار کردند. البته در این مقطع زمانی دولت عثمانی و دولت آلمان (دول مرکز در جنگ جهانی اول) در محاق و تنگنا (از جانب متفقین) قرار می‌گرفت. توضیح ادعای فوق ذیلاً مورد بررسی خواهد بود.

۳. نگاه جامعه‌شناسانه سیاسی به گذار نهضت جنگل از پان‌ترکیسم دولت عثمانی:

تقابل مشترک با روسیه تزاری دو شکل: جمعیت اتحاد اسلام و نهضت جنگل را لااقل در گیلان به هم نزدیک می‌کرد و موجبات گذار ایدئولوژیک نهضت جنگل را فراهم آورد. دلیل اساسی که باعث شد پایگاه ایدئولوژیک نهضت جنگل به طرف کمیته اتحاد اسلام و در نهایت دولت عثمانی معطوف شود حمایت و کمک تسلیحاتی و سپس حمایت مالی کمیته اتحاد اسلام از جنگلی‌ها بود. دولت عثمانی به شکل محدود نیروهای آلمانی و عثمانی را در کنار کمک‌های تسلیحاتی در اختیار جنگلی‌ها نهادند و وعده حمایت بیشتر دادند (کشاوری، ۱۳۹۱: ۲۲۱ و آلیانی، ۱۳۸۵: ۲۸). گرایش نهضت جنگل به ایدئولوژی اتحاد اسلام و تشکیل امت واحد در بین آحاد مردم به‌ویژه در گیلان و رشت بیشتر و بیشتر شد؛ اما اینکه این روش مبارزاتی نهضت جنگل و شخص میرزا کوچک در برابر عثمانی‌ها (و حتی بعدها در برابر بلشویک‌های کمونیست) به‌عنوان تاکتیک موقت مبارزاتی (و نه استراتژی بلندمدت) تلقی و

محسوب می‌شده است محل ابهام است و با قاطعیت نمی‌توان سخن گفت؛ اما قدر مسلم گذار ایدئولوژیک نهضت جنگل به سوی اندیشه سیاسی اتحاد اسلام توسط سید جمال‌الدین اسدآبادی (و حتی رشید رضا و محمد عبده) مطرح می‌شد (فخرایی، ۱۳۸۷: ۶)؛ و در آن برهه در راستای سیاست‌های سلطان عبدالحمید دوم (سلطان عثمانی) رقم می‌خورد.

در طول جنگ جهانی اول، عثمانی‌ها و آلمانی‌ها می‌خواستند از روحیه ضد روسی و ضد انگلیسی ایرانیان به‌ویژه در شمال علیه روسیه تزاری و انگلستان سود ببرند. در این راستا کوچک خان در لاهیجان به همراه دکتر حشمت طالقانی اولین هسته مقاومت را به وجود آوردند (میر ابوالقاسمی، ۱۳۷۸: ۱۴۷)؛ و سپس به همراه روحانیان و رجال ملی، جمعیت اتحاد اسلام تأسیس شد. این جمعیت سپس به هیئت اتحاد اسلام و سپس به کمیته اتحاد اسلام (۱۳۳۵ شوال ۲۱، روزنامه جنگل)؛ و در نهایت به اتحاد ایران تغییر نام داد (پناهی، ۱۳۹۹: ۸ به نقل از دیلمی، ۱۳۹۸: ۴۸). مأموران مخفی عثمانی در سال اول نهضت جنگل در رشت فعال شدند (۱۹۱۴ م / ۱۳۳۳. ق). حضور عثمان بیگ در رشت موجب شد تا کنسول روسیه در رشت تقاضای اخراج او را بنماید (سند، ش، ۶۳۷/۳۸۱). میرزا کوچک به‌طور مخفی هیئتی را به سفارت عثمانی در تهران فرستاد تا اسلحه و مهمات درخواست کنند از این هیئت به گرمی استقبال شد (گیلک، ۱۳۷۱: ۲۵-۲۸). عمر فوزی وابسته نظامی سفارت عثمانی موضوع اتحاد نهضت جنگل با دولت عثمانی را به اطلاع انور پاشا وزیر جنگ رساند. وی نماینده خود به نام حسین افندی را با ۳۰۰ قبضه تفنگ و فشنگ برای جنگلی‌ها فرستاده و قول داد در آینده کمک‌های تسلیحاتی دیگری ارسال کند. پس‌ازاین بود که تعدادی از مستشاران نظامی ترک به درون تشکیلات جنگل وارد شده و به آن‌ها آموزش نظامی دادند. دسترویل در کتاب خود انگیزه عثمانی‌ها را تحریک جنگلی‌ها می‌داند تا علیه انگلستان اقدام نموده تا بتوانند انگلستان را تحت فشار قرار دهند (دسترویل، ۱۳۶۲: ۱۳۲).

نهضت جنگل در این سنوات احتیاج زیادی به پشتیبانی تسلیحاتی عثمانی‌ها داشت و البته آرم اسلام‌خواهی موجب عضوگیری بیشتر نهضت جنگل از آحاد مردم و حضور علمای دینی در آن می‌شد؛ اما حوادث بعد موجب شد تا اتحاد نهضت جنگل با دولت عثمانی جنبه تاکتیکی به خود بگیرد به‌ویژه وقتی عثمانی‌ها به کرمانشاه و آذربایجان تجاوز نمودند و مرتکب جنایت علیه هم‌میهنان ایرانی شدند، میرزا کوچک مستشاران نظامی و صاحب‌منصبان

عثمانی را از جنگل اخراج کرد (کرگاه، ۱۳۷۸: ۴۲۶). دیلمی در این باره می‌نویسد: هجوم‌های عثمانی در مناطق غربی و آذربایجان و کامیابی‌شان در باکو باعث شد تا مقاصد توسعه‌طلبانه عثمانی‌ها در ایران آشکار گردد و این یکی از دلایل سازش کوچک خان با انگلیسی‌ها بود (دیلمی، ۱۳۸۹: ۱۸۸). به نظر می‌آید نقطه انفصال عثمانی‌ها از جنگلی‌ها از پاسخ منفی میرزا کوچک به درخواست سفیر عثمانی برای پیوستن نظامی جنگلی‌ها به ارتش آن‌ها بود تا با نیروی ده‌هزار نفری در همدان به آنان ملحق شود (شاکری، ۱۳۸۶: ۱۷۵). نه تنها جواب میرزا کوچک منفی بود بلکه حتی در برابر اقدامات ترک‌های عثمانی در کرمانشاه و در همدان دست به اعتراض زد و در نامه‌ای به تندی آن را مورد انتقاد قرارداد (شاکری، ۱۳۸۶: ۱۶۷). هدف اساسی دولت عثمانی دستیابی به چاه‌های نفت قفقاز و باکو بود انگلیسی‌ها از این امر غافل نبودند از این رو در اوایل قرن بیستم اولین نبرد نفتی در خاورمیانه بین انگلستان از یک سو و عثمانی و آلمان از سوی دیگر رخ می‌داد.

عثمانی‌ها و آلمان‌ها در تلاش بودند تا از نهضت جنگل به عنوان ابزار استفاده نموده آنان را مانع پیشروی انگلیسی‌ها در حوزه نفتی قفقاز و باکو سازند و آن‌ها را به کارگیرند. وقتی نبرد منجیل در چهارده خرداد ۱۲۹۷ (برابر با ۴ رمضان ۱۳۳۶) رخ داد قوای جنگل از ارتش انگلیس شکست خورد. هر چند مستشاران عثمانی و آلمانی تلاش نمودند اما جنگ مغلوبه شد و قرار آتش بس و عقد توافق گذاشتند. یکی از موارد توافق، اخراج نیروهای عثمانی از نهضت جنگل بود (سپهر، ۱۳۶۲: ۳۸۹). پس از این توافق نامه نیروهای عثمانی قوای جنگل و گیلان را ترک گفتند (فخرایی، ۱۳۶۸: ۹۱). در ماده دوم قرارداد ۲۲ مرداد ۱۲۹۷ بین نهضت جنگل و قوای انگلیس توافق شد که جنگلی‌ها صاحب منصبان خارجی را اخراج نمایند و از دولت‌هایی که با انگلستان می‌جنگند کسی را استخدام نکنند (کسمایی، ۱۳۸۲: ۳۵). با این توافق اولاً مستشاران عثمانی و آلمانی از جنگل اخراج شدند انگلستان باکو را تصرف نمود و مانع دستیابی عثمانی‌ها به چاه‌های نفت قفقاز و باکو شد و ثانیاً موجبات گذار ایدئولوژیک و استراتژیک نهضت جنگل از ایدئولوژی پان‌ترکیسم و اهداف کمیته اتحاد اسلام (مبنی بر تشکیل امت اسلامی) فراهم آمد. پایگاه ایدئولوژیک پان‌اسلامیسم برای نهضت جنگل و میرزا کوچک بازخوردهای منفی هم در برداشت. چون از یک سو با مرامنامه و اهداف و آرمان‌های نهضت جنگل که مبتنی بر ایران خواهی و پاسداشت تمامیت ارضی ایران بود در تعارض و

مخالف بود و هم از سوی دیگر گسترش ایدئولوژی اتحاد اسلام موجب دل‌تنگی و جدایی فعالان ارمنی و گرجستانی را فراهم می‌آورد چون قسمت‌های زیادی از اراضی ارمنستان و گرجستان در تصرف قوای عثمانی بود و آن‌ها برای آزادی آن در مبارزه بودند.

ایدئولوژی اتحاد اسلام تحت حمایت دولت عثمانی با مرام‌نامه نهضت جنگل در تغایر و تضاد بود. نهضت جنگل در مرام‌نامه خود برخلاف امت‌گرایی اسلامی به دنبال سیاست‌های ایران‌گرایانه، ملی‌گرایی و وطن‌خواهی بود. این خط‌مشی در روزنامه رسمی جنگل این‌گونه اعلام می‌شد: «به حکم این‌که ما ایرانی هستیم و مسئول و وظیفه‌دار حفظ این آب‌و‌خاک، ایران وطن مقدس ایرانیان در نظر ما بر تمام بلاد و ممالک اسلامی مقدم است، بعد از موفقیت به انجام وظیفه ایرانیت البته برادران اسلامی بر دیگران مقدم خواهند بود» (روزنامه جنگل، س اول، ش ۲۸). همچنین در بیانیه‌های جنگلی‌ها همواره ویژگی استقلال ایران، دفع بیگانه، وطن‌خواهی، راحت‌ملت، محو‌ظلم و استبداد و ملی‌گرایی جزء کلیدواژه‌های پرتکرار بوده است. در یکی از این بیانیه‌ها صراحت موضع در برابر عثمانی کاملاً قابل مشاهده است و اتحادهای موقتی با بعضی از دولت‌ها را باهدف تاکتیکی آن می‌توان استنباط نمود. در بیانیه روزنامه جنگل اعلام می‌شود: «ما مملکت خود را از تعرض دیگران محفوظ می‌خواهیم هر که به ما تجاوز کرد خصم خود می‌دانیم هر که به ما رحمتی رسانید با او صمیمانه دوست خواهیم بود هر کس به مملکت ما سوق قشون نموده، بی‌طرفی ما را نقض نماید او را متعدی و متجاوز خواهیم دانست خواه روس و انگلیسی باشد، خواه عثمانی و آلمانی (روزنامه جنگل، س ۲، ش ۳).

تقدم ایرانیت بر اسلامیت (تحت حمایت عثمانی) از اصول ایدئولوژیک و تخطی ناپذیر نهضت جنگل بود. اصلی که درنهایت موجب گذار از ایدئولوژی پان‌ترکیسم کمیته اتحاد اسلام و دولت عثمانی گردید و این راهکار ایدئولوژیک را که تنها راه نجات دنیای اسلام و رهایی از جنگ استعمارگران گردآمدن زیر پرچم سلطان عثمانی است (عنایت، ۱۳۷۲: ۲۱۴) را به چالش کشید و از آن گذار نمود. با گذار ایدئولوژیک از کمیته اتحاد اسلام، نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک در چه شرایط و وضعیتی خود را می‌یافت؟

از مردادماه ۱۲۹۷ نهضت جنگل در شرایط حسّاس و ظریفی قرار می‌گرفت به‌گونه‌ای که چهره‌های مذهبی و روحانیان و معتمنین دیگر در ساختار نهضت جنگل باقی نماندند. به

قول دیلمی از این زمان به بعد روحانیون در صف جنگلی‌ها دیده نمی‌شوند (دیلمی، ۱۳۹۸: ۴۸). از سوی دیگر جناح محافظه‌کار نهضت و در رأس آن‌ها حاج احمد کسمایی و یارانش از نهضت به شکل رسمی جدا شدند (صبوری دیلمی، ۱۳۹۴: ۱۱۲). در عوض عده‌ای از رهبران نهضت جنگل تمایل داشتند خلأ ایدئولوژیک این شرایط را با ایدئولوژی چپ مارکسیستی پُر کنند.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تازه حدود یک سال و نیم از عمرش گذشته بود و جذابیت و انسجام ایدئولوژی آن بسیاری از انقلابیون را دل فریفته خود می‌ساخت. احسان الله خان دوستدار در رأس جناحی در داخل نهضت جنگل بود که ایدئولوژی چپ کمونیستی را آلترناتیو مناسب برای نهضت تشخیص می‌داد و از تابستان ۱۲۹۷. خ به بعد آن را به منصفه اجرا گذاشت، اما میرزا کوچک جنگلی به قهر و مقاومت از پذیرش مرام کمونیسم مانع می‌شد. بلشویک‌های نهضت جنگل میرزا کوچک را کنار گذاشتند و بر ارکان نهضت مسلط می‌شدند. درست از اردیبهشت ۱۲۹۸ چرخش در فضای ایدئولوژیک نهضت جنگل رخ داد و موجب گذار ایدئولوژیک نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک گردید. در این تاریخ جمهوری مشورتی گیلان (جمهوریت شورایی گیلان) اعلام و به توافق قوای جنگل و نیروهای شوروی بلشویکی رسید. آن‌ها از آن‌پس به تقابل با دولت مرکزی قانون اساسی و پادشاهی مشروطه برخاستند (مصلی نژاد، ۱۳۸۳: ۹۸). به‌ویژه از زمانی که وثوق‌الدوله به صدارت عظمی رسید دشمنی جنگلی‌ها به اوج خود رسیده بود (ساکما، سند شماره ۱۲: ۳۸) زیرا او و قراردادش را انگلیسی می‌دانستند و اجرای آن را به‌منزله فروش ایران به انگلستان تلقی می‌کردند.

۴. ایدئولوژی جمهوریت شورایی و ناکامی آن

بلشویک‌ها که در ۲۸ آوریل ۱۹۲۰ باکو را به تصرف درآورده بودند در ۱۸ مه در گیلان مستقر شدند و نیروهای بریتانیایی را از رشت و انزلی بیرون راندند. به‌زودی مذاکراتی بین جنگلی‌ها و بلشویک‌ها صورت گرفت و در ۵ ژوئن جنگلی‌ها آغاز جمهوری شورایی خود را در استان گیلان اعلام نمودند (Dailami, 1991: 63-82).

در این راستا اسناد حاکی از آن است که رهبران نهضت جنگل و شخص میرزا کوچک خواستار پشتیبانی تسلیحاتی چپ‌ها بدون دخالت ایدئولوژی آن‌ها در مسائل ایران بوده است

(جنگلی، ۱۳۵۷: ۱۳۵) اما در اواخر ژوئن ۱۹۲۰، اولین کنگره حزب کمونیست در انزلی تشکیل شد و چنانچه متوقع بود ایرانیان ترکستانی و همچنین بعضی از اعضای قفقازی جناح چپ، اکثریت کنگره را در اختیار گرفتند (Shahin ibrahimov, 1981: 192). سپس حیدر خان عمو اوغلی و حزب انقلابی ایران کنار گذاشته شدند و سلطانزاده که نماینده ترکستانی‌ها بود صحنه را در اختیار گرفت. (Pervyi S'ezd, 1920) کمیته انقلابی موقت به زودی نظام کمونیستی جنگل را در گیلان برپا کرد. این کمیته سعی کرد تا اصلاحات ارضی را به اجرا بگذارد اما با شکست روبرو شد. (Osetrov, 1927, p. 139-41)

نتیجه‌گیری:

بر اساس پرسش اصلی پژوهش، محقق درصدد بود تا دریابد گذارهای ایدئولوژیک نهضت جنگل به ویژه گذار از ایدئولوژی پان‌ترکیسم دولت عثمانی چگونه بوده است. داده‌های پژوهش نشان داده‌اند که نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک جنگلی از ایدئولوژی مشروطه سلطنتی، پان‌ترکیسم عثمانی، چپ مارکسیسم؛ گذار ایدئولوژیک داشته‌اند. گذار ایدئولوژیکی الیت‌ها و رهبر نهضت جنگل (میرزا کوچک) از پان‌ترکیسم دولت عثمانی مبتنی بر آرمان و اعتقاد به وطن‌خواهی و تقدم ایرانیت و حاکمیت ملی نسبت به ایدئولوژی اتحاد اسلام دولت عثمانی بوده است.

جدول شماره (۱) گذارهای ایدئولوژیکی نهضت جنگل، نوع ایدئولوژی، دلایل و عوامل گذار

جامعه‌شناسی گذارهای ایدئولوژیک نهضت جنگل	نوع ایدئولوژی	دلایل و عوامل گذار
اولین گذار ایدئولوژیک نهضت جنگل	ایدئولوژی مشروطه‌خواهی	# نظام و ایدئولوژی سلطنت مطلقه = نیروهای اجتماعی و سیاسی داخلی و خارجی طرفدار مشروطیت # جنگ جهانی اول = پان‌ترکیسم عثمانی، کمیته اتحاد اسلام = الیت‌ها و کارگزاران نهضت جنگل

دومین گذار ایدئولوژیک نهضت جنگل	ایدئولوژی پان ترکیسم عثمانی	# ناکامی و یأس نیروهای مشروطه‌خواه داخلی # پان ترکیسم دولت عثمانی # گفتمان اتحاد اسلام = الیت های سیاسی و کارگزاران جنگل = دولت انگلیس (# آلمان و عثمانی)
سومین گذار ایدئولوژیک نهضت جنگل	ایدئولوژی جمهوری مشورتی	= شوروی و ایدئولوژی مارکسیسم # نیروهای دولت انگلیس # دولت مرکزی و ایدئولوژی سلطنت = ساختارهای نهضت جنگل و نیروهای سیاسی- اجتماعی نهضت.

یادداشت‌ها

1. Transition
2. Destutt de Tracy
3. The German Ideolog
4. False consciousness
5. Karl Mannheim
6. Ideology and Utopia
7. Styles of thought
8. Small businessmen
9. Weltanschauung
10. Herbert Marquez
11. Abercrombie
12. Turner

کتاب‌نامه

الف: فارسی

۱. آلبانی، شاهپور (۱۳۸۵)، *نهضت جنگل و معین الرعايا*، تهران: فرشید.
۲. بهار، ملک‌الشعرا (۱۳۷۱)، *احزاب سیاسی در ایران*، ج ۱، تهران: بینا.
۳. پرتو، افشین (۱۳۹۱)، *گیلان و خیزش جنگل*، چاپ اول، رشت: فرهنگ ایلیا.
۴. پناهی، عباس (۱۳۹۹)، «تأثیر هیئت اتحاد اسلام بر تحولات سیاسی، فکری و نظامی جنبش جنگل»، *مطالعات تاریخی جنگ*، دوره ۴، شماره ۳، پاییز، صص ۱-۲۴.
۵. جنگلی، میرزا اسماعیل (۱۳۵۷)، *قیام جنگل (یادداشت‌های میرزا اسماعیل جنگلی)*، به کوشش اسماعیل رائین، تهران: جاویدان.
۶. دنسترویل (۱۳۶۲)، *خاطرات ژنرال ماژور دنسترویل، سرکوبگر جنگل*، ترجمه حسین انصاری، با مقدمه علی دهباشی، تهران: کتاب فرزاد.
۷. دیلمی، پژمان (۲۰۱۹)، *سیمای پنهان پوپولیست‌های رشت*، برلین: نشر گردون.
۸. رور، ویلهلم (۱۳۸۰)، *سفرنامه بازرگان آلمانی، برگ‌های جنگل*، ترجمه معصوم رحیم زاده و احمد مهرداد، گردآوری ایرج افشار، تهران: پژوهش فرزاد روز.
۹. روزنامه جنگل، به کوشش امیر نعمتی لیمایی، (۱۵ جمادی الاخری ۱۳۳۶ / ۷ فروردین ۱۲۹۷ / ۲۸ مارس ۱۹۱۸) ش ۲۸.
۱۰. روزنامه جنگل، به کوشش امیر نعمتی لیمایی، (۲۳ محرم ۱۳۳۵ / ۱۹ آبان ۱۲۹۶ / ۱ نوامبر ۱۹۱۷)، ش ۱۵.
۱۱. سپهر، مورخ الدوله (۱۳۶۲)، *ایران در جنگ بزرگ، ۱۹۱۴-۱۹۱۸*، تهران: انتشارات ادیب.
۱۲. شاکری، خسرو (۱۳۸۶)، *میلاد زخم*، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران: نشر اختران.
۱۳. صبوری دیلمی، محمدحسین (۱۳۹۴)، *نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل*، به کوشش افشین پرتو، رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
۱۴. طالقانی (۱۳۲۴)، *دکتر حشمت که بوده، جنگل گیلان چه بوده*، تهران.
۱۵. عنایت، حمید (۱۳۷۲)، *اندیشه سیاسی در اسلام*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۶. فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۷)، *سردار جنگل میرزا کوچک خان*، تهران: جاویدان.
۱۷. کسمایی، احمد (۱۳۸۲)، *یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل*، گردآوری و تصحیح منوچهر هدایتی خوش‌کلام، رشت: کتیبه گیل.
۱۸. کشاورز، فتح‌اله (۱۳۷۱)، *نهضت جنگل اسناد و گزارش‌ها*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

۱۹. کشاورز، فتح اله (۱۳۹۱)، نهضت جنگل و اتحاد اسلام (اسناد محرمانه و گزارش‌ها)، تهران: سازمان اسناد ملی و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور.
۲۰. گیلک، محمدعلی (۱۳۷۱)، **تاریخ انقلاب جنگل به روایت شاهدان عینی**. رشت: گیلکان.
۲۱. مدنی، میر احمد (۱۳۷۷)، جنبش جنگل و میرزا کوچک خان (خاطرات میرزا احمد مدنی)، به کوشش سید محمدتقی میر ابوالقاسمی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۲. ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳) **تاریخ مشروطیت ایران**، تهران: نشر علمی.

ب: لاتین

23. Abercrombie, Nicholas, and Turner. B.S. (1978), "The Dominant Ideology thesis", *British Journal of Sociology*, Vol. 29, pp 149-70.
24. Althusser, Louis. (1972), "Ideology and Ideological State Apparatuses' in Althusser, *Lenin and Philosophy and Other Essays*, New Left Books.
25. Anderson, Perry. (1976), *Considerations on Western Marxism*, New Left Books.
26. Dailami, Pezhmann (1991), *Braving in Tehran and the Origins of Soviet Policy in Iran, Revolutionary Russia*. 12(2). December, pp: 63-82.
27. Gramsci, Antonio. (ed. Hoare. Q. and Newell Smith, G.) (1971- [1929-35]), *Selections from the Prison Notebooks*, Lawrence & Wisher.
28. Himmelstrand, Ulf. (1962), "A Theoretical and Empirical approach to Depoliticisation and Political Involvement", *Act Sociological*, Vol. 6, pp. 83-110.
29. Manheim, Karl. (trans. Shills, E.), (1936 [1929]), *Ideology and Utopia: An Introduction to the Sociology of Knowledge*, Routledge & Kegan Paul.
30. Marcuse, Herbert. (1964), *One-Dimensional Man: Studies in the Ideology of advanced industrial societies*, Routledge & Kegan Paul.
31. Marx and Engels, F. (1976 [1845-6]), *The German Ideology in Marx and Engels, Collected Works*, Lawrence & WI shard, Vol. 5. Pp. 19-539.
32. Marx, Karl. (1980 [1859]), *Preface to A Contribution to the Critique of Political Economy in /Marx and Engels, Collected Works*, Lawrence & WI shard, Vol. 29, pp. 261- 5.
33. Osetrov, Vladimir. (Irandust) (1927), *Voprosy Gilanskoi Revoliutsii. Istorik Mark-sist*, 5. pp: 139-41.

34. Parkin, Frank. (1972), Class Inequality and Political Order, Paladin.
35. Parsons, Talkott. (1951), the Social System, Free Press.
36. Pervyi S'ezd Persidskikh Kommunistov Parti. Adalet (1920), Kommunisticheskii International 13, Septembre : col. 2891.
37. Shahin, Taqi, (Ibrahimov). (1981), Peydayesh-e Hazb-e Kommonist-e Iran, Tehran: pp.192.